

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۳۰ اکتوبر ۲۰۱۱

طبقات اجتماعی

در هر شیوه تولیدی که در آن مناسبات استثماري موجود است، دو گروه اجتماعی متخاصم وجود دارد: طبقه استثمارگر و طبقه استثمار شونده. در شیوه تولید برده دارد: برده داران و بردگان؛ در شیوه تولید فیودالی: فیودالان و دهقان ها؛ در شیوه تولید سرمایه داری: سرمایه داران و کارگران (بورژوازی و پرولتاریا)، دو طبقه متخاصم را تشکیل می دهد.

وجود طبقات متخاصم جدا از مبارزات طبقاتی و تصادم میان آنها نیست. این امر را مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" چنین بیان می کنند: "تاریخ کلیه جامعه هائی که تاکنون وجود داشته، تاریخ مبارزه طبقاتی است. مرد آزاد و بنده، پاتریسین و پلبین، مالک و سرف، استاد کار و شاگرد، خلاصه ستمگر و ستمکش با یکدیگر در تضاد دایمی بوده و به مبارزه ای بلا انقطاع گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فناء مشترک طبقات متخاصم ختم می گردید، دست زده اند."^۱

اما قبل از مارکس نیز مؤرخین و اقتصاد دانان بورژوا به وجود طبقات و مبارزات طبقاتی پی برده بودند. در واقع، یکی از مهمترین دستاوردهای مارکسیسم در زمینه آموزش مقوله طبقات و مبارزات طبقاتی اثبات این نکته بوده که: "وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است..."^۲

و یا به نقل از انگلس: "موجودیت طبقات و بنابراین تصادم میان آنان نیز به نوبه خود به درجه تکامل وضع اقتصادی و خصلت و شیوه تولید و مبادله (که چگونگی آن را همان شیوه تولید معین می کند) بستگی دارد."^۳ بنابراین مارکس برای اولین بار رابطه بین مقوله طبقه و مقوله شیوه تولید را نشان داد. لنین با حرکت از این رابطه تعریف مارکسیستی زیر را از طبقات اجتماعی ارائه میدهد:

^۱ - مارکس و انگلس: "مانیفست حزب کمونیست"

^۲ - از نامه مارکس به ویدیر "مکاتبات"

^۳ - انگلس: "پیشگفتار بر "هجدهم برومر لویی بناپارت"

"طبقات به گروه های بزرگی از افراد اطلاق می گردد که: ۱- بر حسب جای خود در سیستم تاریخاً معین تولید اجتماعی ۲- بر حسب مناسبات خود (که اغلب به صورت قوانین تثبیت و تنظیم گردیده است) با وسایل تولید ۳- بر حسب نقش خود در سازمان اجتماعی کار و بنابراین ۴- بر حسب شیوه های دریافت و میزان آن سهمی از ثروت اجتماعی که در اختیار دارند، از یکدیگر متمایزند. طبقات آنچنان گروه هایی از افراد هستند که از بین آنها یک گروه می تواند به علت تمایزی که بین جای آنها در یک رژیم معین اقتصاد اجتماعی وجود دارد، کار گروه دیگر را به تصاحب خود در آورند."^۴

از تعریف فوق نتیجه می گیریم که برای تشخیص و تعیین طبقات اجتماعی در هر شیوه تولیدی معین باید شکل خاص مناسبات حاکم و مناسبات تولیدی را مورد مطالعه قرار داد. اما مناسبات تولیدی در اساس به مسأله مالکیت بر وسایل تولید و چگونگی توزیع مازاد تولید جامعه تحویل داده می شود. مارکس در این باره می گوید:

"شکل اقتصادی ویژه ای که در پرتو آن اضافه کار نیرداخته شده از دست مؤلدين بلاواسطه بیرون کشیده می شود، مناسبات بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان را تعیین می کند. همانا همیشه در مناسبات مستقیم بین مالکین شرایط تولید و مؤلدين بلاواسطه است که باید عمیق ترین راز و اساس پنهان ساختمان اجتماعی... را جست و جو نمود."^۵

طبقاتی که در زمینه اقتصادی موضع غالب را اشغال می کنند، از نظر سیاسی نیز دارای موضع مسلط هستند. تعلق انسان ها به این یا آن طبقه موضع سیاسی آنان را تعیین می کند.

در جریان تکامل تاریخ، طبقات به مثابه محصول سیستم مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در مرحله معینی از تکامل تولید اجتماعی ظاهر شده اند. در سیستم جماعت های بدوی، سطح نیروهای مؤلده بسیار نازل بوده و مازاد تولیدی در کار نبوده است. ابزار و وسایل تولید در مالکیت اشتراکی عمومی بوده و کار و توزیع ثروت به طور عمومی و اشتراکی صورت می گرفته است. در این مرحله از تکامل جامعه، تمایزات طبقاتی وجود نداشته و نمی توانست وجود داشته باشد. اما همراه با رشد نیروهای مؤلده و ایجاد یک مازاد محصول و استقرار یک تقسیم کار اجتماعی و سیستم مالکیت خصوصی، اقلیتی از جامعه که ابزار تولید را در تصرف خود داشته، بدون انجام کاری، محصول و ثمره کار اکثریت عظیم مردم را که از ابزار تولید جدا گشته بودند، تصاحب نمود و بدین ترتیب رابطه میان استثمارگر و استثمار شونده، میان غالب و مغلوب پدیدار و جامعه به طبقات متخاصم تقسیم می گردد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

^۴- لنین: "ابتکار بزرگ"

^۵- لنین: "ابتکار بزرگ"